

## کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی

نورالله قیصری\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱

مصطفی قربانی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

### چکیده

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله موضوعاتی است که علی‌رغم اهمیت آن، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی و سنجش آن ارائه نشده است. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه ارزیابی می‌شود و این نظام بر اساس شاخص‌های کارآمدی چه وضعیتی دارد؟» بنابراین، با یک رهیافت نظری جدید، کارآمدی با توجه عناصر و ارکان نظام‌های سیاسی، یعنی ایده، ساختار، کارگزار و رفتار تعریف شده، سپس شاخص‌های کارآمدی مرتبط با هر یک از این ارکان ارائه شده است. در گام بعدی، با عنایت به این شاخص‌ها، مدلی برای ارزیابی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ارائه شده است. مدل ارائه‌شده علاوه بر بازنمایی وجوه مشترک نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های سیاسی، ابعاد و ویژگی‌های خاص این نظام را نیز بازنمایی می‌کند. علاوه بر این، برخی مصادیق کارآمدی این نظام در هر یک از سطوح مذکور ذکر شده است.

### واژه‌های کلیدی

کارآمدی، ایده، ساختار، کارگزار، رفتار، شاخص

#### مقدمه

کارآمدی نظام‌های سیاسی موضوعی بااهمیت است؛ زیرا نظام سیاسی، به‌عنوان گسترده‌ترین و کلان‌ترین ساحت نظام اجتماعی، در صورت کارآمد بودن، تحقق اهداف سایر نظامات اجتماعی را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، نظام‌های سیاسی همواره در درصدد پیشینه کردن کارآمدی برای تحصیل رضایت افزون‌تر شهروندان‌اند. درواقع، کارآمدی هم در ذات خود دارای اهمیت است و هم با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه توجه بدان حائز اهمیت است.

کارآمدی برای نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل مدعای تأسیس نظام نوین مردم‌سالاری دینی، اهداف و الزامات آن حائز اهمیت است. علی‌رغم این اهمیت، تاکنون ضابطه‌ها، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی کارآمدی این نظام ارائه نشده است. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا الگویی برای سنجش و ارزیابی وضعیت کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد. هدفی که با استفاده از روش مدل‌سازی توصیفی - مفهومی، در مرحله تجزیه مفهومی و تعیین ضابطه‌ها و شاخص‌هایی عینی برای سنجش کمی و کیفی برای مفهوم کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌باشد، پی گرفته شده است.

#### ۱. ضرورت و الزامات

کارآمدی معطوف به بقا و پایداری نظام‌های سیاسی است. درواقع، در زمانه وابستگی و تداوم حکومت‌ها به ایده‌ها، اندیشه‌ها و افکار عمومی، کارآمدی در جای خود عنصری مؤثر در حمایت ذهنی و ایستاری و حتی رفتاری شهروندان از نظام‌های سیاسی است. ازاین‌رو، با توجه به اهمیت موضوع کارآمدی، نظام‌های سیاسی برای آگاهی از وضعیت کارآمدی خود نیازمند ضابطه‌ها و شاخص‌هایی برای ارزیابی وضعیت خود هستند. علاوه بر این، جهان عرصه رقابت‌های ایدئولوژیک برای به نمایش گذاشتن توانمندی‌های ایدئولوژی‌ها و موفقیت نظام‌های سیاسی ابتدیافته بر این ایدئولوژی‌هاست. ازاین‌رو، کارآمدی و موفقیت در عمل و در عرصه منازعات بین‌المللی نیز حائز اهمیت است.

کارآمدی مفهومی چندسطحی و چندبعدی است؛ در سطح کلی ناظر بر توانمندی‌هایی که همه نظام‌های سیاسی باید از آن برخوردار باشند و این سطح در مورد همه نظام‌های سیاسی به یک میزان شایع است. این نوع از کارآمدی بیشتر در حوزه سیاست ملایم، مسائل امنیتی، دفاع از مرزها و تأمین تمامیت ارضی و... معنا می‌یابد. سطح دیگر از کارآمدی، تعریفی از کارآمدی است که با توجه به ضوابط ارزشی و هنجاری حاکم بر نظام‌های سیاسی تعریف می‌شود. تفاوت در ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها نیز به این سطح از کارآمدی مربوط می‌شود. از این رو، مدل ارزیابی کارآمدی باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر ابعاد نوعی کارآمدی، توانایی بازنمایی مختصات و ویژگی‌های ارزشی و هنجاری خاص نظام‌های سیاسی را در نیز داشته باشد.

## ۲. مفاهیم

### ۲-۱. کارآمدی

کارآمدی از نظر لغوی به «مفید بودن، خدمت کردن، به کار آمدن، در خور بودن» (دهخدا، ۱۳۷۷). معنا شده است، اما از نظر اصطلاحی، آنچه بیشتر کاربرد دارد، اصطلاحاتی نظیر اثربخشی و کارایی است که در علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و رشته‌های وابسته مورد استفاده قرار گرفته است؛ برای مثال، در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی مترادف کارایی و به «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده» تعریف شده است (گلریز، ۱۳۶۸، ص ۱۷۱). در دانش مدیریت کارآمدی «به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نائل می‌شود یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها»، تعریف شده است (زاهدی، ۱۳۷۶، صص ۱۱۱-۱۱۲). در ادبیات سیاسی، کارایی به «تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت»، (لیپست، ۱۳۷۴، ص ۱۰) یا «انجام اقداماتی است که از آن راه بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان به دست آورد» تعریف شده است (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۲۴۷). از این رو، نظام سیاسی زمانی کارآست که توان ایفای وظایفی را که بیشتر حکومت شونده‌گان از آن انتظار دارند، داشته باشد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی

فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است» (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۲۴۷).

با این وجود، کارآمدی برخلاف کارایی که به کارکردها و وظایف نظام ارجاع دارد، بیانگر وجه هستی‌شناختی یا فلسفه وجودی نظام‌هاست. در این صورت، مرجع کارآمدی موجودیت و هستی نظام به‌مثابه یک کل است که ضابطه‌های تعیین آن اصطلاحاً درون‌سیستمی نیست، بلکه از بیرون از سیستم تعیین می‌شود. در اینجا ترجیحات، نیازها و خواسته‌های مؤسسان یا کاربران سیستم است که آن را کارآمد یا ناکارآمد می‌سازد، نه توانمندی‌های سیستم به‌تنهایی. در واقع نظام‌های سیاسی در کلیت آن‌ها در صورتی کارآمد ارزیابی می‌شوند که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف یا فلسفه وجودی‌شان، موفق به کسب حداکثر رضایت مردم در شرایط متغیر و پیچیده زمانی و مکانی باشند؛ بنابراین کارآمدی مفهومی است که؛ الف. معطوف به حفظ موجودیت و استحکام‌یافتگی عوامل است و در نتیجه، پایداری آن‌ها را تضمین می‌کند.

ب. معطوف به تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده برای عوامل است.

ج. به توانایی عوامل در انطباق با شرایط جدید و در نتیجه آن، وظایف جدید مربوط است.

د. به توانایی و موفقیت عوامل در تحقق انتظارات از آن‌ها مرتبط است؛ زیرا کارآمدی علاوه بر آن که مقوله‌ای عینی و ابزاری است در عین حال، تا حدی مقوله ذهنی و هنجاری نیز می‌باشد. به بیان دیگر، در ارزیابی کارآمدی یک سیستم، علاوه بر اندازه‌گیری توان واقعی آن سیستم در تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده برای آن و تأمین انتظاراتی که متوجه آن است، مردم آن جامعه نیز باید به این ارزیابی برسند که نظام موجود توانایی حل مشکلات و رفع نیازهای آن را داشته یا آنکه قصد حل مشکلات و رفع نیازهای اساسی آن‌ها را دارا می‌باشد.

هـ. تحصیل رضایت شهروندان و دیگر کسانی را که انتظاراتشان متوجه سیستم

است و سیستم موظف به برآوردن آن‌هاست، در پی دارد.

## ۲-۲. مدل

مدل در لغت به معنای نمونه، سرمشق، طرح و الگو است. در تعریفی ساده، الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی می‌باشد (سورین، تانکارد، ۱۳۸۶، ص ۶۵). مدل، طرح و نمونه‌ای است که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود (روشه، ۱۳۷۹، ص ۴۴). مدل‌ها برداشت‌های ذهنی از دنیای واقعیات هستند یا به عبارتی، مدل معمولاً نمونه یا الگویی اقتباس‌شده از مسائل عینی و واقعی است که روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد و پیش‌بینی را ساده می‌کند (الوانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵). در واقع، مدل جزء کوچک یا بازسازی کوچک‌شده یک شیء یا پدیده بزرگ است که از لحاظ کارکرد با آن شیء یا پدیده واقعی، یکسان است. به باور روشه، توسل به مدل در همه علوم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چون واقعیت اجتماعی امری غامض است، برای آنکه بتوان از این واقعیت پیچیده سخن گفت و آن را به اجزا و عناصر متشکله‌اش تجزیه کرد، قیاس صورت می‌گیرد؛ این قیاس، میان جامعه پیچیده با اشیا و موجودات ساده و شناخته‌شده‌تر انجام می‌گیرد که اصطلاحاً الگو اطلاق می‌شوند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۳).

مدل‌ها با توجه به شاخص شکل و کارکرد قابل تقسیم به مدل‌های شناختی، پیش‌بینی‌کننده، تصمیم‌گیری و هنجاری هستند (نک. الوانی ۱۳۷۹؛ دوران، ۱۳۷۷، صص ۶۷-۶۹). در مقاله حاضر مدل ارزیابی ملاک است که به‌مثابه ابزاری برای سنجش توانمندی‌ها، کاستی‌ها، نقاط قوت و ضعف سیستم‌های موردنظر، به کار می‌رود.

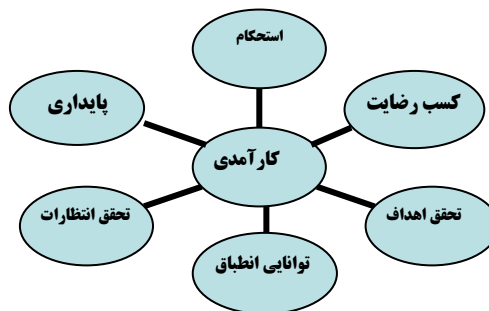
## ۲-۳. ارزیابی

ارزیابی از نظر لغوی عبارت است از: «عمل یافتن ارزش و بهای هر چیز، سنجش و بررسی حدود هر چیز و برآورد کردن ارزش آن.» چارلز جونز واژه سنجش را دقیق‌ترین معنی برای ارزیابی در عرصه تحلیل سیاست‌گذاری‌های عمومی می‌داند (رک. وحید، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹). از نظر اصطلاحی نیز ارزیابی دلالت دارد بر (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸):

یک. ارزیابی به‌طور کلی «تلاشی است برای درک و فهم اثرات رفتار انسان به‌ویژه ارزیابی اثرات برنامه‌های خاص بر روی جنبه‌هایی از رفتار که به‌عنوان اهداف این مداخله به‌شمار می‌رود.»

دو. ارزیابی خط و مشی: «بررسی اثربخشی کلی یک برنامه ملی در پاسخگویی به اهداف آن یا ارزشیابی از اثربخشی نسبی دو یا چند برنامه در پاسخگویی به اهداف متداول است.»

سه. ارزیابی در رشته سیاست‌گذاری عمومی: «به‌طور کلی، ارزیابی عبارت است از رسیدگی، احصا و تحلیل دستاوردها، پیامدها و میزان نیل به اهداف یک سیاست، و برنامه». با توجه به آنچه گفته شد، مدل نظری - مفهومی این پژوهش از نوع مدل شناختی است و مدل ارزیابی مورد نظر، از نوع «کلامی - هنجاری» است که البته برای انتقال بهتر مضامین از مدل‌های ترسیمی نیز استفاده می‌شود.

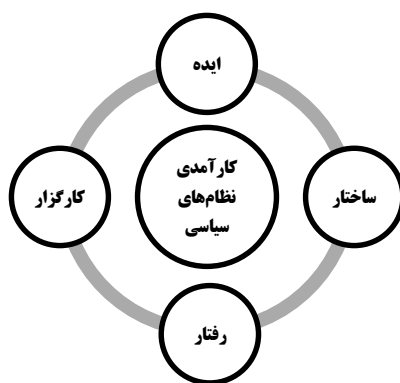


نمودار شماره ۱. مدل مفهومی ابعاد کارآمدی

### ۳. کارآمدی نظام‌های سیاسی

در این پژوهش کارآمدی با در نظر گرفتن ارکان نظام‌های سیاسی و با نظر به رابطه تعاملی عوامل مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوع تبیین، ساختار و کارگزار را منطقی‌اً مستلزم یکدیگر می‌داند و به تلفیق عوامل ساختاری و کارگزاری در چارچوب تبیینی واحد نظر دارد؛ اما فراتر از توجه به عوامل ساختاری و کارگزاری، بر آن است که نظام‌های سیاسی در سطحی بنیادی‌تر، دارای وجه یا بُعد «ایده‌ای» نیز می‌باشند. توضیح

آنکه هر نظام سیاسی، مبتنی بر مجموعه‌ای از ایده‌ها، وضع مطلوبی را برای خود تصور می‌کند و به شهروندان خود نوید تحقق آن را می‌دهد، اما ایده‌ها برای تحقق یافتن و به عینیت پیوستن نیازمند آن هستند تا در چارچوب ساختارها تجسم یافته تا با فراهم کردن شرایط منع و ترغیب بر کارگزاران (فاعلان درون خود) پیامدهای مطلوب و مدنظر را ظاهر سازند؛ بنابراین، درحالی‌که ایده‌ها به‌مثابه نهادهای نظام‌های سیاسی عمل می‌کنند و ساختارها نیز به‌مثابه دستگاه پردازشگر، کارگزاران به‌مثابه توانایی‌های نظام‌های سیاسی تصور می‌شوند که با برخورداری از توانایی‌های پنج‌گانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی قادرند تا با رفتارهای مناسب و مطلوب، خروجی‌های مورد انتظار، رضایت‌بخش و تضمین‌کننده بقای سیستم را تولید کنند. از این رو، در تعریف کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌توان گفت که یک نظام سیاسی زمانی کارآمد تلقی می‌شود که علاوه بر کارآمدی در سطح ایده، با دارا بودن ساختارهای کارآمد و کارگزاران شایسته بتواند با بروز رفتارهای مناسب و مطلوب، در تحقق اهداف خود موفق بوده، به‌گونه‌ای که حداکثر رضایت را برای شهروندان خود به ارمغان آورده و تا حد ممکن به انتظارت آن‌ها جامه عمل پوشانده تا از رهگذر آن، بقا و استمرار خود را تضمین کند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان برای کارآمدی نظام‌های سیاسی چهار سطح (ایده، ساختار، کارگزار و رفتار) قائل بود.



نمودار شماره ۲. سطوح کارآمدی نظام‌های سیاسی

### ۳-۱. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده

هر نظام سیاسی مبتنی بر یکسری بنیان‌های نظری (ایده‌ای) است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس دولت به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی و... مردم آن دارند. به گونه‌ای که تعبیر و تفسیر سیاست ملی و بین‌المللی با آرمان‌ها، ارزش‌ها و تمایلات آمیخته است (چیلکوت، ۱۳۹۱، ص ۷۲). به‌طور مشخص‌تر، بُعد ایده‌ای شامل ایده حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم است (ره‌پیک، زمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳) که با تعابیر مختلفی چون «ایدئولوژی»، «قواعد تشکیل‌دهنده حاکمیت» و حتی «هویت ملی» از آن تعبیر شده است (رک. عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵).

بنیان‌های ایده‌ای علاوه بر اینکه وجه تأسیسی دارند؛ یعنی می‌توانند مبنای شکل‌گیری و تأسیس دولت‌ها قرار گیرند (رک. حافظ‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۱۳-۱۴)، تعیین‌کننده اهداف دولت‌ها هستند؛ بدین معنا که ایده حاکمیت، عمل سیاسی دولت را به‌نوعی تعیین و هدایت می‌کند یا به آن الهام می‌بخشد (هیوود، ۱۳۹۲، ص ۶۷). ایجاد و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی نیز از کارویژه‌های بعد ایده‌ای است. نظام ایده‌ای همچنین در تعیین‌بخشی به سایر ارکان نظام‌های سیاسی (ساختارها، کارگزاران و رفتارها) مؤثر است. درواقع، سیاست‌گذاری و منطق کنش در چارچوب هر پارادایم قدرتی مبتنی بر دو اصل؛ «اسطوره چارچوب» و «معمای بازتولید» است. منظور این است که در هر پارادایم قدرتی تنها ساختارها، کارگزاران و رفتارهایی امکان بروز و ظهور می‌یابند که هم در چارچوب اصول اساسی ایده‌های آن پارادایم قدرت قرار داشته باشند و هم پس از استقرار به‌گونه‌ای عمل کنند که آن اصول را تقویت و بازتولید کنند (ستاری، ۱۳۹۰، صص ۵۴-۵۹). کارکرد دیگر نظام ایده‌ای، تأثیرگذاری بر موانع و امکانات است؛ بدین معنا که پاره‌ای از نظام‌های ایده‌ای با مشروع یا نامشروع قلمداد کردن برخی ابزارها، در استخدام یا عدم‌استخدام آن‌ها تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب بر میزان (کم یا زیاد شدن) امکانات و موانع در فرایند حرکت به‌سوی تحقق اهداف تأثیر می‌گذارند. با توجه به اهمیت و نقش ایده‌ها، آن‌ها علاوه بر مشروعیت‌بخشی به



ساختارها، کارگزاران و رفتارها، با معضل‌گشایی و بن‌بست‌شکنی، ظرفیت‌سازی و ارتقای موقعیت نظام سیاسی در کارآمدی نظام‌های سیاسی مؤثرند. بر این اساس مهم‌ترین ضابطه‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده عبارت‌اند از:

الف. معضل‌گشایی: نظام‌های سیاسی همواره از یک سو از جانب ایده‌های رقیب و از سوی دیگر با توجه به پیچیدگی‌های محیط و انتظارات جدید شهروندان با مسائل، شبهات و چالش‌هایی مواجه می‌شوند که می‌توان از آن‌ها تعبیر به «معضل»<sup>۱</sup> کرد. نظام ایده‌ای در برخورد با معضل‌های عملی یا باید به توجیه آن‌ها پردازد؛ زیرا در واقعیت ممکن است معضلی موجود نباشد، بلکه عده‌ای آن را معضل فرض کنند یا اینکه در برخورد با معضلات موجود، آنجا که لازم است تا ابتدا از معضله‌ها در سطح ایده گره‌گشایی شود، از کارآمدی لازم برخوردار باشد؛ یعنی بتواند پاسخ نظری مقتضی برای حل و رفع چالش‌های عملی موجود ارائه کند. نظام ایده‌ای همچنین باید به چالش‌های نظری متعددی که متوجه عناصر اصلی آن می‌شود و به‌ویژه از سوی ایده‌های رقیب مطرح می‌شوند پاسخ دهد. در واقع، نظام ایده‌ای برای پایداری و بقای خود از یک سو و مقابله و پاسخگویی یا به عبارت دقیق‌تر، طرد و به حاشیه راندن ایده‌های رقیب نیازمند آن است تا پیوسته خود را بازتولید کند. برای این منظور لازم است که این نظام ضمن تبیین، تفسیر و رمزگشایی از عناصر اساسی تشکیل‌دهنده خود، با مفهوم‌سازی و تحول مفاهیم، به نوآوری و ابداع نظری و مفهومی پردازد؛ بنابراین منظور از «معضل‌گشایی» در سطح ایده‌ای، عبارت است از اینکه نظام ایده‌ای در مواجهه با معضل‌های نظری و عملی که متوجه نظام سیاسی می‌شوند، قادر به توجیه تضادهای ظاهری و ارائه پاسخ‌های مناسب، ارائه راهکار، نوآوری نظری و مفهومی باشد.

ب. بن‌بست‌شکنی: منظور از بن‌بست، مسائلی است که در ظاهر فاقد راه‌حل می‌باشند (رک: فرهنگ معین). بن‌بست مسئله یا موضوعی است که به‌راحتی و بر اساس رویه‌های عادی نمی‌توان آن را حل و رفع کرد. بن‌بست‌ها معمولاً در روند اجرای قانون و در نتیجه تضادها و اختلاف‌هایی که میان برخی از بندهای قوانین اساسی وجود دارد بروز می‌کنند یا اینکه در نتیجه تلاش برای حل معضله‌ها، آنگاه که

حل آن‌ها با پاره‌ای از آرمان‌ها، ارزش‌ها، شعارها، قانون اساسی و... در تعارض باشد، بروز می‌کنند.

ج. افق‌گشایی: ایده‌های یک نظام سیاسی علاوه بر اینکه باید در رفع معضل‌ها و بن‌بست‌ها نقش مفید و مؤثر خود را در کارآمدسازی نظام‌های سیاسی اثبات کنند، همچنین باید با هموار کردن مسیر دستیابی به ارزش‌های کمیابی مانند توسعه، رفاه، امنیت، آزادی، مردم‌سالاری و... افق‌های جدید و روشنی را برای شهروندان و نظام سیاسی نوید دهند. افق‌گشایی نیز در دو ساحت نظر و عمل موضوعیت می‌یابد. بنابراین، توانایی توجیه واقعیات، توانایی ارائه راهکار برای حل و رفع معضل‌ها و بن‌بست‌ها، توانایی پاسخگویی به ایده‌های رقیب و همچنین توانایی پاسخگویی به مسائل مستحدثه مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده محسوب می‌شوند.

### ۲-۳. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ساختار

ساختار به‌عنوان «مجموعه همبسته‌ای از نقش‌ها، گروه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و نهادهایی که کنش‌های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و یا تقبیح می‌کنند» تعریف می‌شود (رک. چیلکوت، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷)، در فرایند تحقق اهداف دولت‌ها و تأمین انتظارات شهروندان ضروری است. ساختارها از طریق تقیید و تحریک کارگزاران آثار خود را ظاهر می‌کنند؛ کارگزاران در چارچوب سیاسی و اجتماعی خاصی به دنبال اهداف خود می‌روند و این چارچوب‌ها تنگناها و فراخناهایی برای انتخاب و عمل آن‌ها فراهم می‌کنند؛ اما اغلب ساختارها تعیین‌بخش به پیامدها نیستند، بلکه تنها احتمالشان را افزون‌تر می‌کنند (لیتل، ۱۳۸۸، صص ۱۶۸-۱۷۰). با توجه به آنچه گفته شد، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختارها عبارت‌اند از: ۱. ساختارها متناسب و مبتنی بر ایده‌ها می‌باشند، ۲. ساختارها برای تأمین اهدافی ایجاد می‌شوند، ۳. محدودیت‌ها یا فراخناهایی برای فعالیت کارگزاران تعیین می‌کنند. منظور از ساختارها در اینجا صرفاً ساختارهای مادی نیست، بلکه ساختارهای حقوقی - قانونی نیز به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند (های، ۱۳۸۵، ص ۵۱ و مشیرزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴)؛ بنابراین، چون قانون اساسی در هر کشوری از یک سو شامل

کلیه قواعد و مقررات مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن، موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با نهاد دولت، نهادهای سیاسی، طرز تنظیم وظایف، روابط و رفتار نهادها و قوای حکومتی با هم و... است، و از سوی دیگر تجلی و منعکس کننده عرفها، هنجارها، ارزشها و... یک ملت است، می تواند نزدیکترین و درعین حال کاملترین عنصر در ارتباط با مفهومی باشد که در اینجا از ساختار منظور می باشد. از این رو، در بحث از کارآمدی نظامهای سیاسی در سطح ساختار، به طور عمده مبنای تحلیل و بررسی قانون اساسی می باشد.

مسئله اصلی در خصوص ساختارها، نقش آنها در کارآمدی نظامهای سیاسی است. در واقع، ساختارها چون برای تأمین اهدافی ایجاد می شوند، علاوه بر دارا بودن قابلیت هماهنگی و همگامی با تحولات و تغییرات، در راستای تأمین نیازها و انتظارات نیز باید تغییر کنند؛ به بیان دیگر، ساختارها به منظور اینکه از عهده تأمین اهداف، نیازها و انتظاراتی که متوجه آنهاست، برآیند، باید در مقابل تغییرات و تحولات زمانه از قدرت انعطاف برخوردار باشند، به گونه ای که نه تنها نسبت به تحولات بی توجه نباشند، بلکه برای مدیریت این تحولات مجهز به سازوکارهای خود تقویت کننده و در صورت لزوم اصلاح گر باشند. به عبارتی، توانایی انطباق با شرایط جدید و متغیر که از ابعاد مفهوم کارآمدی محسوب می شود و در نظریه کارکردگرای ساختاری پارسونز نیز بر آن تصریح شده است (بشیریه، ۱۳۹۱، صص ۸۵-۸۶)، مربوط به وجه ساختاری نظامهای سیاسی است. از این رو، بیان شاخصهای کارآمدی نظامهای سیاسی در سطح ساختار معطوف به عملیاتی شدن و تأمین این بُعد از مفهوم کارآمدی است.

الف. انطباق با ایده ها و ارزشها: ساختارهای هر نظام سیاسی اساساً مبتنی بر ایده های بنیادین آن نظام سیاسی تأسیس می شوند. در واقع، چون هر ساختاری برای انجام کارویژه ای ایجاد می شود و از طرفی، تعیین کارویژه های مختص هر ساختار نیز عمدتاً منبعت از نظام ایده ای می باشد، اولین شرط برای کارآمدی یک ساختار، انطباق آن با ایده هایی است که زیربنای اساسی تشکیل آن محسوب می شوند.

ب. امکان پیش بینی تغییرات: چون ساختارها در محیط های پیچیده ای عمل می کنند که امکان پیش بینی تغییرات در آن اندک است، طراحی ساختار باید به گونه ای باشد که

نه تنها امکان پیش‌بینی تغییرات را در خود فراهم کند، بلکه اساساً باید ظرفیت مواجهه با تغییرات را نیز داشته باشد. چنانچه ساختاری به سازوکارهایی از این دست مجهز باشد می‌تواند مطمئن باشد که نه تنها در مقابل تغییرات و تحولات جدید دچار ایستایی و رکود نخواهد شد، بلکه با پیش‌بینی زودهنگام و به‌موقع تغییرات می‌تواند کارویژه انطباق و سازگاری با محیط را تأمین کند.

ج. انعطاف‌پذیری: اگرچه ظرفیت مواجهه با تغییر در نوع خود مهم است، اما مسئله اصلی این است که پس از حادث شدن تغییرات و مواجهه ساختارها با آن‌ها، ساختارها به چه میزان می‌توانند در مقابل این تغییرات به «تخریب خلاق»<sup>۳</sup> دست یازند (رک. عجم اوغلو، رابینسون، ۱۳۹۳، صص ۱۰۵-۱۱۸). در واقع چون ساختارها بر مبنای اصول ثابتی تأسیس می‌شوند و فعالیت می‌کنند و از سویی، در محیط نظام‌های سیاسی تغییرات و تحولات مداومی صورت می‌گیرد که ساختارها نباید نسبت بدان‌ها بی‌توجه باشند، حال مسئله این است که با این وجود، چگونه میان ساختارها با اصول ثابت و تحولات زمانه می‌توان نسبت برقرار کرد. صورت دیگر زمانی است که علی‌رغم طراحی و تأسیس دقیق ساختارها، آنگاه آن‌ها که وارد مرحله عملیاتی شدن می‌شوند، نتوانند اهداف مورد انتظار را تأمین کنند یا اینکه اساساً در تنظیم روابط با دیگر ساختارها و... دچار مشکل شوند. برای این منظور معمولاً در چارچوب ساختارها اصولی برای بازنگری پیش‌بینی شده است تا در صورت حادث شدن تحولاتی که ساختار از عهده حل و رفع آن‌ها برنیاورد یا مسائلی که مانع عملکرد صحیح و کامل ساختارها می‌شوند، تغییراتی در خود ایجاد کند؛ بنابراین، منظور از «انعطاف‌پذیری»<sup>۴</sup> این است که یک ساختار به چه میزان حاضر است در مقابل تغییرات، تحولات و شرایط جدید از خود واکنش نشان دهد تا از عهده انجام وظایف جدید بازماند. به بیان دیگر، انعطاف‌پذیری ساختارها به توانایی آن‌ها در درونی کردن تغییرات و انطباق ساختارها با تغییرات و تحولات جدید اشاره دارد.

د. تفکیک اجزا و وظایف آن‌ها: پس از استقرار ساختارها، کیفیت روابط و مناسبات میان اجزای ساختارها و خود ساختارها حائز اهمیت است. در این خصوص باید روابط میان ساختارها به گونه‌ای باشد که هر یک در عین انجام وظایف و

کارویژه‌های خود، با سایر ساختارها ارتباطاتش را نیز به نحوی تنظیم کند که از کنترل و مداخله سایر ساختارها در امان باشد. در اینجا باید از اصل «تفکیک قوا»<sup>۵</sup> و اصل «کنترل‌ها و تعادل‌ها»<sup>۶</sup> سخن به میان آورد؛ بدین معنا که علاوه بر تفکیک حکومت به قوای مختلف، تکه‌های کوچک‌تری از هر یک از قوا به قوای دیگر داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، هر یک از قوا دارای اختیار کنترل یکدیگر می‌شوند، به‌منظور اینکه هیچ‌یک از آن‌ها به‌صورت دیکتاتوری درنیاید (رک: عالم، ۱۳۸۵، صص ۳۲۳-۳۲۶). توضیح آنکه تفکیک قوا بدون ایجاد تعادل میان قوا معنای واقعی خود را از دست می‌دهد. از این رو، برای رسیدن به اهداف مهار قدرت باید ابزارها و سازوکارهایی تعبیه شده باشند که در خلال آن‌ها هر یک از قوا بتوانند در عمل، قوای دیگر را تعدیل و به تعادل وادارند. بدین معنا که قوای مختلف باید در حدی از موازنه و تعادل قرار گیرند که نیروی برتری‌طلب هر یک از آن‌ها با ابزارهای در نظر گرفته‌شده در قوای دیگر، خنثی یا به تعبیر دقیق‌تر، تعدیل و کنترل شود. این همان سازوکاری است که از آن به «کنترل‌ها و تعادل‌ها» تعبیر شد.

### ۳-۳. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح کارگزاری

کارگزاران، مدیران یا به تعبیری بوروکرات‌ها برای نظام‌های سیاسی در حکم قوای حاسه هستند که تحقق اهداف و انجام کارویژه‌های مختص نظام‌های سیاسی جز با وجود کارگزاری شایسته، متعهد، متخصص و... امکان‌پذیر نیست. بر اساس تحلیل‌های کارگزارمحور، برای فهم نتایج سیاسی باید صرفاً انگیزه و اراده کارگزاران را بررسی کرد. هرچند این تحلیل، تحلیلی ساده و تک‌علتی محسوب می‌شود (های، ۱۳۹۰، صص ۳۱۲-۳۱۳)، اما بیانگر اهمیت کارگزاران در شکل دادن و ظهور هر پدیده و پیامد اجتماعی است. می‌توان از برخی توانمندی‌هایی که کارگزاران (مدیران یا رهبران) برای انجام وظایف و نقش‌های خود در چارچوب ساختارها بدان‌ها نیازمندند، به‌عنوان ضابطه‌های کارآمدی کارگزاران و مدیران نام برد. این ضابطه‌ها در ادبیات علم مدیریت با عنوان مهارت‌های چهارگانه مدیریت ذکر شده‌اند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷ و رک. صالحی امیری، ۱۳۸۵، صص ۳۵-۳۷).

الف. مهارت‌های فنی (تکنیکی): این نوع مهارت‌ها به جنبه‌های فنی شغل مربوط می‌شوند و در سطوح پایین مدیریتی مهم‌ترین مهارت‌ها را تشکیل می‌دهند. مهارت‌های فنی شامل فراگیری فن‌هایی است که لازمه کار با ابزار و موضوع کار در سازمان می‌باشند. به موازات ارتقای یک کارگزار (مدیر) در سلسله‌مراتب سازمانی، اهمیت مهارت‌های فنی برای وی کاهش می‌یابد. کارگزاران (مدیران) عملیاتی بیشتر نیازمند این نوع مهارت‌ها می‌باشند.

ب. مهارت‌های انسانی: این مهارت‌ها به جنبه‌های انسانی در چارچوب ساختارها معطوف هستند. در اینجا، روابط متقابل کارگزاران، به‌ویژه کارگزاران سطوح بالاتر با کارگزاران سطوح پایین‌تر، مورد توجه است. ایجاد انگیزش در کارگزاران، پدید آوردن روحیه همکاری و مشارکت در کار و رفع تعارضات و تبدیل آن‌ها به همکاری از جمله توانایی‌ها یا مهارت‌های انسانی محسوب می‌شوند. علی‌رغم اهمیت این مهارت برای همه مدیران، اما اهمیت آن برای مدیران میانی بیشتر است.

ج. مهارت‌های ادراکی یا تفهیمی: این نوع از مهارت به توانایی‌های ذهنی مدیران و از جمله قدرت انتزاعی تفکر آن‌ها مربوط است. به بیان دیگر، به توانایی فرد در چگونگی اعمال نگرش راهبردی از ساختار ارتباط دارند. کلان‌نگری و توانایی ساختن سناریوهای احتمالی، طراحی استراتژی‌های عمل سازمان، پیش‌بینی تحولات محیطی و آنچه پیش‌روی عملکرد سازمان و اهداف آن است از جمله مهارت‌های ادراکی می‌باشند. این نوع مهارت‌ها در سطوح بالایی مدیریت از حداکثر اهمیت برخوردارند.

د. مهارت‌های شناختی: این مهارت‌ها به مدیران توانایی و امکان درک بهتر علل و اثر روابط و همچنین تشخیص بهتر و دقیق‌تر راه‌حل مسائل را می‌دهند.

نکته مهم و قابل تذکر اینکه؛ با توجه به ساده و تک‌علتی و همچنین نگاه تقلیل‌گرایانه و ناقص تحلیل‌های ساختارگرا و اراده‌گرا، این هر دو محدودکننده هستند و اگر در اینجا به‌طور جداگانه مطرح شده‌اند، از باب «تفکیک تحلیلی»<sup>۷</sup> می‌باشد؛ بنابراین، از آنجاکه ساختار و کارگزار هر دو در تعیین بخشی به کنش‌ها تأثیرگذارند باید به قوام‌بخشی متقابل این دو در شکل بخشیدن به کنش‌ها توجه داشت (رک. های، ۱۳۸۵، صص ۱۹۷-۱۹۸).

### ۳-۴. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح رفتاری

منظور از کارآمدی در سطح رفتار، کارآمدی در اجرا و عمل نظام‌های سیاسی است؛ یعنی در اینجا این سؤال طرح می‌شود که آیا نظام سیاسی در تحقق و به‌عینیت درآوردن اهداف و کمال مطلوب‌هایی که در ایده‌هایش پیش‌بینی کرده بود و وعده تحقق آن‌ها را داده، موفق بوده است؟ از این‌رو، رفتار در اینجا شامل کلیه افعال و کنش و واکنش‌های نظام سیاسی را که در ارتباط با محیط داخلی و خارجی آن اتخاذ می‌شوند، می‌باشد. اهمیت این سطح از کارآمدی نظام‌های سیاسی نیز از آن‌روست که چنانچه نظامی از زاویه ایده، ساختار و کارگزار فاقد ایراد و نقص باشد، می‌بایست در اجرای صحیح و کارشناسانه برنامه‌های خود، برای نیل به اهدافش، نیز قاطعیت داشته باشد تا کارآمد تلقی شود. این سطح از کارآمدی، که عینی‌ترین سطح کارآمدی نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود، به‌طور عمده مبنای ارزیابی و قضاوت شهروندان از کارآمدی نظام حاکم بر آن‌ها نیز محسوب می‌شود. در واقع، کارآمدی در سطوح ایده، ساختار و کارگزار تنها در صورتی مفید و مؤثر تلقی می‌شود که منجر به بروز رفتارهای کارآمد شود و مسلم است چنانچه نظامی در سطوح مذکور کارآمدی داشته باشد، اما نتواند رفتارهای کارآمد از خود نشان دهد، ناکارآمد تلقی می‌شود.

در ارزیابی رفتارهای نظام‌های سیاسی همواره این سؤال‌ها مطرح است که رفتارهای مذکور تا چه میزان بر اهداف از پیش وعده داده‌شده منطبق بوده‌اند؟ تا چه میزان توانسته‌اند به نتایج و پیامدهای مطلوب شکل دهند؟ رفتارها طی چه سازوکار و رویه‌ای عملیاتی شده‌اند؟ تا چه میزان توانسته‌اند نیازها و انتظارات را تأمین و برآورده سازند؟ و اینکه این رفتارها با چه میزانی از فوریت و با صرف چه هزینه‌ای توانسته‌اند به نتایج مطلوبی دست یابند؟ بنابراین، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح رفتاری عبارت‌اند از: میزان انطباق رفتارها با ایده‌ها، میزان موفقیت رفتارها در تحصیل نتایج مطلوب و مورد انتظار، زمان (فوریت)، هزینه رفتارها و فرایند (کیفیت یا چگونگی) تبدیل ایده‌ها به اعمال و رفتارها).

جدول ۱. مدل سنجش کارآمدی نظام سیاسی و مصادیق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران

ارکان نظام‌های سیاسی	ضابطه‌های کارآمدی	ابعاد	شاخص‌های کارآمدی	مصادیق
توسعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- معضل گشایی</li> <li>- بن‌بست شکنی</li> <li>- افق گشایی</li> </ul>	توسعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- پاسخگویی به مسائل مستحدثه</li> <li>- پاسخگویی به ایده‌های رقیب</li> <li>- توانایی توجیه واقعات</li> <li>- توانایی ارائه راهکار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایده مصلحت نظام</li> <li>- ایده تغییر نظام از ریاستی به مجلسی</li> <li>- سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی اصل ۴۴</li> <li>- طرح مفهوم نرمش قهرمانانه</li> </ul>
تغییر	<ul style="list-style-type: none"> <li>- انطباق‌پذیری</li> </ul>	تغییر- عملی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تطابق با ارزش‌ها و ایده‌ها</li> <li>- قابلیت پیش‌بینی تغییرات</li> <li>- انعطاف‌پذیری ساختاری</li> <li>- تفکیک اجزا و وظایف آن‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تعبیه اصل بازنگری در قانون اساسی</li> <li>- بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸</li> <li>- طرح امکان مجلسی شدن نظام سیاسی از سوی مقام معظم رهبری</li> </ul>
کارگزار	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مهارت‌های فنی،</li> <li>- مهارت‌های انسانی،</li> <li>- مهارت‌های ادراکی،</li> <li>- مهارت‌های شناختی</li> </ul>	توسعه- عملی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- توانایی تشخیص مسائل</li> <li>- توانایی ارائه راه‌حل</li> <li>- توانایی در ایجاد همگرایی</li> <li>- آینده‌نگری</li> <li>- کلان‌نگری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طرح ایده تشکیل تمدن نوین اسلامی</li> <li>- رهبری و مدیریت انقلاب اسلامی، تأسیس و پایداری‌سازی نظام جمهوری اسلامی،</li> <li>ارتقای ظرفیت و موقعیت نظام جمهوری اسلامی ایران</li> </ul>



مصادیق	شاخص‌های کارآمدی	ابعاد	ضابطه‌های کارآمدی	ارکان نظام‌های سیاسی
- تثبیت مردم‌سالاری دینی و انتخابات عمومی - محرومیت‌زدایی و برنامه‌های توسعه	- انطباق با ایده‌ها - تحصیل نتایج مطلوب - زمان (فوریت) - هزینه - فرایند	۳	تحقق اهداف (سودمندی کارکردی)	۳

### جمع‌بندی

کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران همانند سایر نظام‌ها دارای ابعاد مشترک و ابعاد خاص است. تفاوت در ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی با ایدئولوژی سایر نظام‌های سیاسی، تفاوت‌هایی در ساختار، رفتار، اهداف و کارگزاران این نظام با سایر نظام‌های سیاسی ایجاد کرده است. از این‌رو، ارزیابی کارآمدی این نظام نیاز به مدلی دارد که علاوه بر بازنمایی وجوه مشترک با سایر نظام‌ها، ابعاد و ویژگی‌های خاص این نظام را نیز بازنمایی کند. الگوی ارائه‌شده در این مقاله بر اساس مختصات نظام جمهوری اسلامی و با نظر داشت وجوه مشترک آن با سایر نظام‌های سیاسی، طراحی شده است. تقسیم ابعاد کارآمدی به چهار سطح ایده، ساختار، کارگزار و رفتار و ارائه شاخص‌های قابل سنجش همراه با نمونه‌های عینی در جدول انتهای مقاله، مدلی برای سنجش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی به صورت خاص و به صورت مقایسه‌ای با سایر نظام‌های سیاسی است.

### یادداشت‌ها

1. problem
2. impass
3. creative destruction
4. flexibility
5. separation of powers
6. checks and balances
7. analytical separation

### کتابنامه

- آلموند، گابریل، پاول، بینگهام، مونت، رابرت (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، جلد اول، چاپ ششم، تهران: توس.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ بیستم، تهران: نی.
- پروانه، محمود (۱۳۹۰)، الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، فرهنگ نشر نو، جلد ۱، تهران: تنویر.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۹۱)، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی، علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: رسا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ سوم، تهران: سمت.
- حقیقی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳)، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دهم، تهران: ترمه.
- دوران، دانیل (۱۳۷۰)، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمد یمینی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- رضائیان، علی (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- روحانی، حسن (۱۳۷۹)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸، زمستان.
- روشه، گی (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ره‌پیک، سیامک، زمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ابعاد، شاخص‌ها و راهکارها»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، پائیز، شماره ۱۱، صص ۱-۳۰.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: چاپ سپهر.

ستاری، سجاد (۱۳۹۰)، «پارادایم قدرت به مثابه رهیافت نظری جدید و جایگزین نظریات دولت و نظام سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره سوم، تابستان، صص ۴۵-۷۳.

سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۶)، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران: تبیان. شعبانی، قاسم (۱۳۸۵)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، چاپ بیست و چهارم، تهران: اطلاعات.

صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

طاهری، شهنام (۱۳۷۸)، بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها (مدیریت بهره‌وری فراگیر)، تهران: هستان.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، بنیادهای علم سیاست، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عجم اوغلو، دارون و رایینسون، جیمز ای (۱۳۹۳)، چرا کشورها شکست می‌خورند، ترجمه پویا جیل‌عاملی، محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.

فتحعلی، محمود (۱۳۸۹)، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳)، «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۴۴، شماره ۳، پاییز، صص ۴۶۵-۴۸۱.

گلریز، حسن (۱۳۶۸)، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران: مرکز آموزش بانکداری.

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۲)، نقد دین‌داری و مدرنیسم، تهران: اطلاعات. لپیست، سیمور مارتین (۱۳۷۴)، «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضا زیب، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸، خرداد و تیر، صص ۱۰-۱۱.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ هشتم، تهران: سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *آزادی معنوی*، چاپ سی و هفتم، تهران: صدرا.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، *صحیفه امام (ره)*، تهران: نشر عروج.

نراقی، یوسف (۱۳۷۰)، *توسعه و کشورهای توسعه نیافته*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹)، *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*، تهران: سمت.

همو (۱۳۸۱)، *مدیریت عمومی*، تهران: نی.

وحید، مجید (۱۳۸۸)، *سیاست‌گذاری عمومی*، چاپ دوم، تهران: میزان.

های، کالین (۱۳۸۵)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.

همو (۱۳۹۰)، «ساختار و کارگزار» در: مارش، دیوید و استوکر، جری، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، چاپ ششم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۳۰۳-۳۲۷.